

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

خنجر ناز

شعر شیوا و دلنشین دوست عزیزم جناب تیمورشاه "تیموری" در صفحه امروز ۱۷ جون ۲۰۱۱ پورتال وزین و هر دل پسند "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مرا به یاد شعری انداخت که بتاريخ ۲۵ ثور ۱۳۳۱ش در کابل عزیز به استقبال از شعر "ولی طواف" سروده شده است، که بدین وسیله پیشکش میشود:

ابرویش گفت، قتل من و شمشیر کشید
قد او گفت فنای من و برخاست ز جا
طره اش گفت گرفتارم و پیچید به هم
شست او گفت نشان من و بگرفت کمان
خال او گفت که هندوی من و رامم کرد
نگهش صید همیخواست کند مرغ دلی
من ازین خیل بلا، هیچ ندانم یارب
به دم خنجر ناز تو مرا دست قضا
زلف او گفت اسیر من و زنجیر کشید
خط او گفت غلام من و تحریر کشید
لب او گفت خراب من و تقریر کشید
دست او گفت شهید من و شمشیر کشید
حسن او گفت که محو من و تصویر کشید
مژه اش سوی دل غمزده ام تیر کشید
که دل بی سر و پا را به چه تدبیر کشید
دل و دین باخته، پابسته به زنجیر کشید
دل ندانم ز در یار کجا رفت «اسیر»
که چنین آمدنش باز به تأخیر کشید

(کابل عزیز - ۲۵ ثور ۱۳۳۱ش)